

نگاه به عاشورا و نگاه به حسین بن علی (ع) در آموزش و پرورش باید بسا نگاه عمومی جامعه فرق نداشته باشد و از عمق و معنای به مراتب وسیعتر برخوردار باشد تا **تعلیم و تربیت اسلامی** نام بگیرد و انسان در تراز اسلام تربیت کند.

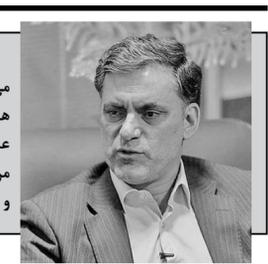
در ادبیات دینی و معارف اسلامی، ارتباطی بسیار معنادار بین عاشورا و حسین بن علی(ع) یا اصل دین برقرار است و همینطور است از تباط بین ایشان و تداوم راه و باقی ماندن در مسیر، تا ارتباط بین این وجود مبارک با حضرت مهدی(عج) و مسئله ظهور. «حسین منی و انا من حسین» و یا «ان الحسین مصباح الهدی وسفینةالمنجاه» که از قول شخص رسول گرامی اسلام(ص) نقل شده تا تأکیدات و بیانات دیگر، همه از یگانگی این دو کوکب آسمان امامت و ولایت حکایت می کند. هرکجا حسین(ع) هست، مهدی(عج) هم هست و هرکجا مهدی(عج) هست، حسین (ع) هم هست، ذکر و نام این یکی با ذکر و نام آن دیگری فرین و عجین است.

این ادبیات و این نقشه راه نشان می‌دهد که اولاً با وجود حسین(ع) و عاشورا، اصل دین باقی می‌ماند و از انحراف پزداشته می‌شود و ثانیاً راه تداوم و تعالی آن در ادامه همین راه و به دنبال مشعل فروزان ابعابدهال(ع) تامین و تضمین می‌شود و حتی ظهور را همین جوش و خروش رقم خواهد زد. پس برای عبور جامعه از گردنه‌های سخت باید حسین(ع) و منطبق عاشورا شناخته و به او توسل و تمسک شود و حتی برای خلاصی بشر از ظلم و

نقش ویژه آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت اسلامی

برقراری عدالت و برای رهایی مظلومان نیز باید از خون حسین(ع) مدد گرفته شود.

آن حسین(ع) که پیامبر(ص) از آن است و آن حسین(ع) که چراغ هدایت و کشتی نجات جامعه است، باید درست شناخته شود و به جهانیان شناسانده شود تا دل‌های مشتاق را جلب و جذب نماید و امت جهانی را شکل دهد. بنابراین با نگاه تربیتی- و از منظر آموزش و پرورش باید به دنبال یک چنین شناخت و تأثیرگذاری و تأثیر گیری از عاشورا بود و در بحث ما اگر از تباط آموزش و پرورش و فرهنگ عاشورا صحبت می‌شود، چنین برداشتی منظور است و باز اگر صحبت از عملکرد این دستگاه دربار محرم و عاشورا می‌شود باید درپی شناختی اینگونه از حسین(ع) بود و الا خود ابعابدهال فرمودند که خون آن بزرگوار از جوشش نخواهد افتاد و مشعل فروزان آن هرگز خاموش نخواهد شد.



«بسیاری معتقدند که مراجعه افراد به رمالان و امثال آنها تحت هر عنوانی از انرژی درمانی گرفته تا عرفان‌های کاذب و حلقه و غیره ریشه در ناآگاهی جوامع دارد، اما در سوسوی مثال شاهدیم حتی افراد تحصیل کرده از طبقات مختلف جامعه، درگیر مسائل این‌چنینی می‌شوند، علت را در کجا باید جستجو کرد؟»

واقعیت این استک که اعتقاد به تاثیر جادو و رمالی و موارد مشابه آن در زندگی افراد، ریشه عمیقی در تفکرات بشری دارد. اگرچه ادیان مختلف و بیشتر به این فرض مسأله موضع داشته‌اند، اما همواره این اعتقادات بر لبه تیغ اعتقادات مذهبی رشد کرده‌اند و به نوعی به موازات اعتقادات دینی و در سایه آن و البته با سوءاستفاده از باورها و احساسات مذهبی یک مردم توانسته‌اند ریشه بونداند و حضور خود را تا امروز حفظ کنند. اینکه چرا با وجود سلامت و احاسات مذهبی مردم در داخل خانواده حل می‌شود. از ازدواج گرفته تا اشتغال برخی عرفان‌های کاذب در جوامع هشتمین موضوعی است که باید به صورت جدی به آن پرداخته شود. بخشی از این گرایش‌ناشی از تنهایی افراد در جامعه مدرن است. زندگی سنتی و خانوادهدای گسترده که در طول تاریخ ایران و بسیاری جوامع دیگر رواج داشته، فرد در داخل خانواده در کنار پدربزرگ و مادربزرگ و دیگر بزرگان خانواده، شیوه صحیح زندگی را می‌آموخت. این یک زندگی ساده و سالم و فاقد استرس و فشار روان و تمام مسایل فرد در داخل خانواده حل می‌شد. از ازدواج گرفته تا اشتغال و فرزندپروری و غیره در داخل خانواده حل‌وفصل می‌شد و تجربیات به صورت سینه به سینه به نسل‌های جدید منتقل می‌شد. این زندگی پیچیدگی‌های جامعه امروزی را نداشت. ما امروز با خانواده هسته‌ای مواجهیم و اساسا خانواده کارکرد خود را برای رشد فکری و تربیت و تعلیم و پختگی افراد از دست داده است.

از طرفی زندگی از حالت سنتی و ساده به سمت صنعتی شدن و ارتباطات گسترده پیش رفته و همین مسئله باعث کم‌رنگ شدن نهادهای مداخله گر قبلی و ضرورت استفاده از تخصص‌های مختلف برای جامعه‌پذیری شده است. در این جامعه بخشی از نیازهای فال باید با استفاده از نهادهای روانشناسی و مشاوران انجام شود. هرچه جامعه پیچیده‌تر می‌شود مسائل و مشکلات هم پیچیده‌تر و تخصصی‌تر می‌شود. در این وضعیت به طور طبیعی افراد و گروه‌هایی به با سوءاستفاده از نیازهای مردم، آموزه‌های نادرستی را به شهروندان منتقل می‌کنند که لازم است برخورد صحیحی با این پدیده‌ها انجام شود. **یعنی عرفان‌های کاذب و مسائلی چون انرژی درمانی و … در ادامه تاریخی نشان هبوه فال گیری رفتاری سالم است اما خلاه‌های موعی و بحران‌ها در کنار زندگی پر استرس‌تر تغییراتی ایجاد کرده و گروه‌ها**

تربیت در تراز اسلامی با توجه به فرهنگ عاشورا در آموزش و پرورش

به عبارت دیگر نگاه به عاشورا و نگاه به حسین بن علی(ع) در آموزش و پرورش باید به نگاه عمومی جامعه فرق داشته باشد و از عمق و معنای به مراتب وسیعتر برخوردار باشد تا **تعلیم و تربیت اسلامی** نام بگیرد و انسان در تراز اسلام تربیت کند. در آموزش و پرورش باید به نگاه عمومی جامعه فرق داشته باشد و از عمق و معنای به مراتب وسیعتر برخوردار باشد تا تعلیم و تربیت اسلامی نام بگیرد و انسان در تراز اسلام تربیت کند. در غیراین صورت، عزاداری‌ها و این زنده بودن عاشورا، خیلی وابسته به تعلیم و تربیت رسمی نیست و به رغم همه دشمنی‌ها وخیانت‌ها، هیچگاه به فراموشی سپرده نمی‌شود و ان‌شاءالله روزبه‌روز هم افزایش

یافته‌ها و روش‌های نوین در آموزش و پرورش را دربرگیرد و به عنوان روح حاکم در همه زوایای آموزش و پرورش جاری شود.

سبک زندگی ماشینی

پیدا می‌کند. لیکن این همه آن چیزی نیست که از جامعه اسلامی انتظار می‌رود و همه تاثیر عاشورا نمی‌تواند در همین باشد. اقدامات عمومی جامعه هم لازم است و هم مفید، ولی حتما کافی نیست. هرچه زودتر و هرچه بیشتر این فرهنگ عمق پیداکند و در سراسر عالم بین مظلومان و مستضعفان فراگیر شود، به ظهور کمک خواهد کرد. پس اگر صحبت از فرهنگ عاشورا می‌شود و اگر از میزان و عمق شناخت مردم صحبت می‌شود، منظور شناخت جایگاه عاشورا در رهایی بشریت از ظلم و شناخت چگونگی حرکت در مسیر آن است.

فرهنگ عاشورا یعنی زمانی که شرایط، شرایط ابعابدهال شد و زمانی که استکیار برجامعه تسلط پیداکرد و مسلمانان و مومنان را بین دو راهی دلت و زندگی قرار داد، آنجا راه چاره و طرز رفتار، عمل به الگوی سیدالشهدا(ع) است.

بازدهی نامطلوب نظام آموزشی کنونی در ترویج فرهنگ عاشورایی

معنای «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» این است که در همه دوران، این شرایط برجامعه اسلامی حاکم می‌شود و ممکن است کسانی بخواهند به هر قیامت درجامعه حکومت کنند. اینجا نباید ت به ذلت داد و به بهانه زندگی و چند روز زنده ماندن، از مسیر حق جدا شد و حق را رها کرد. باید به تاسی از حسین بن علی(ع) با حق بود و پای حق ایستاد و لو آنکه از انسان همه هستی او یعنی جانش مطالبه شود.

این معنا امروز باید در آموزش وپرورش رسمی ما باشد و به عنوان روح حاکم در همه زوایای آموزش و

اجتماعی
Ejtemae @kayhan.ir

فاصله زیادی دارد) که وقتی شرایط سخت شد و فشار دشمن درونی و بیرونی فزونی گرفت، در آن شرایط راه و چاره، تمسک به عاشورا و منطق ابعابدهال است. باید از فشار نترسید و دین خدا را رها نکرد، هرچند در اقلیت بود و امید زیادی به پیروزی ظاهری هم نبود.

انتظار این استک که انقلاب اسلامی و نهاد مقدس تعلیم و تربیت آن بر این مدار قرار گیرد و تعلیمات آن سراسر منطبق با دین و فرهنگ عاشورا باشد، نه آنکه متن و محتوی درسی یک حکمی کند، معلم سر کلاس حکمی دیگر و فضا و محیط مدرسه و… چیز دیگری را دنبال کند و همه هم و غم آموزش و پرورش هم قبولی در کنکور باشد و

سبک زندگی ماشینی

نقش سبک زندگی ماشینی در آموزش و پرورش

برورش ساری و جاری باشد. چیزی که متأسفانه یا نیست و یا خیلی کم است. ۲۸ سال از عمر مبارک انقلاب اسلامی می‌گذرد، دستاوردهای فراوانی در

عرصه های مختلف حاصل شده ولی هنوز تعلیم

تربیت ما برای این منظر و در این مسیر تغییر نشده است. روزانه بیش از پنج ساعت عمر مفید فرزندان ما در مدرسه صرف می‌شود. ۱۲سال طول دوره تحصیلی دانش آموزان هست اما برای شناخت حسین(ع) و شناخت منطق و فرهنگ عاشورا که اساس اسلام بند به آن است، کار چندانی صورت نمی‌گیرد. هنوز ما در تعلیمات رسمی برای اینکه مرسی بتوانند در بحبوحه حوادث و در دوران اتفاقات حق را تشخیص بدهد و عالمانه و آگاهانه از سر اختیار بر مدار حق حرکت کند و از محور آن یعنی، امامت و ولایت فاصله نگیرد و پشت سر او حرکت کند کار چندانی نمی‌کنیم. هنوز آموزه‌های رسمی ما یاد نمی‌دهد(لا لاقل با نقطه مورد انتظار

توقع از این مجموعه غنیم این است که از شور حسینی استفاده کند و شعور حسینی به وجود آورد. مخصوصا حالا که س‌م‌پاشی‌های دشمن زیاد شده و مردم به ویژه جوانان را مشغول کرده و آنها کمتر در مسجد و هیئت و پای درس و بحث علمی قرار می‌گیرند، حالا باید ظرفیت‌های رسمی و قانونی در اختیار نظام به میدان بیایند و کمبودها را جبران کنند و تربیت اسلامی را یی بگیرند.

مدرسه، کلاس درس و معلم باید مبتنی بر فرهنگ عاشورا به جامعه جهت بدهد. باید در جامعه ثبات فکری و اعتقادی به وجود آورد و در عمل استقامت و پایداری پای حق را بیاموزد و کاری کند تا انسان ها بتوانند بر مدار حق صبر و تحمل کنند و تا سرحد جان دادن از آن فاصله نگیرند.

این میزان و این حد، حد انتظار از آموزش و پرورش است. نه اینکه رسما خود را در حوزه آموزش علمی و دانش اجتماعی محدود کند و کاری به کار معارف دینی، اخلاق و … نداشته باشد.

نقش بسیج در شکل گیری فرهنگ عاشورا در نظام آموزشی

متأسفانه ساز و کار اجرایی در آموزش وپرورش و فرآیندهای آموزشی و تربیتی در حال حاضر با چنین انتظاری و چنین فرهنگی (فرهنگ عاشورا) تطابق لازم را ندارد. طراحی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها وحتی فعالیت‌ها، این قبیل اهداف را دنبال نمی‌کند(فعالیت‌های اشخاص مدنظر نیست). آموزش و پرورش می‌بایست هر چه سریعتر خود

شعبانعلی رمضانیان

با ر نیازهای جامعه اسلامی تطبیق دهد و لذا جا دارد هیئت‌های اندیشه‌ورزی شکل بگیرد و برای این هدف و اهداف مشابه فکر و اندیشه شود که

کجا و چگونه باید اصلاحات صورت گیرد. اینجا امروز زیانمندی‌های آموزش و پرورش است و توقع می‌رود که اساس و مبنای تغییرات در دوره جدید قرار گیرد و بسیج فرهنگیان و بسیج دانش‌آموزی می‌بایست به آن کمک کنند و تمرکز آنها تطبیق و پرورش نیست و این معنی زنده بودن محرم و عاشورا باشد. باید بسیجیان کاری کنند تا آموزش و پرورش بتواند با سرعت و قوت بیشتری خود را به این ظرفیت برساند، اهتمام کند، کار و تلاش نماید، طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کند و اقدام عملی داشته باشد، اما تا آن زمان و تا رسیدن به این حد و اندازه و فراهم شدن شرایط، خود بسیج می‌بایست خلأهای کارکردی و ضعف‌های تربیتی را پوشش دهد و با برنامه‌های جنبی به آموزش و پرورش کمک کند.

جامعه هستیم. برای رفع این مشکل چه راهکاری می‌توان ارائه داد؟
افراد که در عرفان‌های کاذب مثل عرفان حلقه و رمالی و انرژی درمانی کار می‌کنند می‌مانند چطور کار خود را عرضه و تبلیغ کنند و مردم در سطوح مختلف را به سمت خود بکشانند. با روش‌های پیچیده روانی، ذهن و روح مردم را به سوسی خود معطوف می‌کنند و در جلسات مختلف مردم و خانواده‌ها را می‌کشانند و با شیوه‌های غیرعلمی ادعای کمک کردن به معنویت افراد را دارند.

در این شرایط ما نباید مردم را مقصر بدانیم و مورد تعقیب و تنبیه قرار دهیم. اگر به مردم آگاهی بدهیم و اطلاع‌رسانی دقیق داشته باشیم به جای مراجعه به رمال انرژی درمانی به سمت روانشناس متخصص می‌روند اما در شرایط فعلی که آگاهی‌رسانی به اندازه کافی انجام نمی‌شود، در موارد زیادی مردم دچار انحرافات مثل عرفان حلقه می‌شوند. مردم ما از سر نیاز و ناآگاهی در دام این انحرافات می‌فتند، اگر جامعه را آگاه کنیم و رهاکار بدبیم را توله فرزند و فرزندپروری در حوزه سلامت روان آگاه کنیم و مردم ما را از ناآگاهی و ناآرامی خود مطلع کرد و اگر حتی از آنها شایع شد سازمان‌های نظارتی از حق افراد دفاع می‌کنند، دیگر کسی متمایل به انرژی درمانی و غیره نمی‌شود. شما ببینید چه آسیب‌هایی به افرادی که جذب این مراکز انرژی درمانی و عرفان حلقه شده وارد شده است.

اگر متخصص و مشاور مورد اعتماد به میزان لازم در دسترس مردم باشد، این عرفان‌های کاذب عرصه‌ای برای رشد پیدا نمی‌کنند.

یعنی می‌توان امیدوار بود با توسعه فرهنگ مراجعه به مشاور به جای فال گیر و رمال، شاهد کاهش آسیب و گرایش مردم به عرفان‌های کاذب بود؟

اینکه افراد احساس نیاز برای ارتقای سلامت روان کنند یک پدیده مثبت است اما باید زمینه پاسخگویی روانشناسی حوزه‌های مختلفی دارد و بخش کوچکی از علم روانشناسی به موضوع روانشناسی بالینی و اختلالات و بیماری‌های روانی می‌پردازد.
بسیاری از حوزه‌ها مثل روانشناسی یادگیری، روانشناسی ورزش، روانشناسی و ارتقا و … به موضوعات ارتقای سلامت روان می‌پردازد. این تفکر باید اصلاح شود که هرکس که دچار بیماری روانی است به روانشناس مراجعه کند، بلکه حتی افرادی که مشکلی در زمینه سلامت روان، سلامت رفتار و سلامت روحی احساس نمی‌کنند، برای حفظ شرایط متعالیل زندگی و ارتقای روحی خود به طور مرتب به روانشناس و مشاور مراجعه می‌کنند. روانشناسی حوزه‌های مختلفی دارد و بخش کوچکی از علم روانشناسی به موضوع روانشناسی بالینی و اختلالات و بیماری‌های روانی می‌پردازد.
بسیاری از حوزه‌ها مثل روانشناسی یادگیری، روانشناسی ورزش، روانشناسی و ارتقا و … به موضوعات ارتقای سلامت روان می‌پردازد. این تفکر باید اصلاح شود که هرکس به روانشناس مراجعه کند، بیمار باشد، اگر این نگاه درست شود، شهروندان برای حل مسائل خود به جای رفتن پیش رمال یا جذب شدن در عرفان‌های کاذب، به روانشناس مراجعه کنند، بیمار باشند، اگر این نگاه درست شود، شهروندان برای حل و آینده تفکرات در نریاضت که در مشاوره یک روش علمی همراه با احتمال بالای موفقیت وجود دارد اما در انرژی درمانی و عرفان‌های کاذب وقت و تنها شاهد فریب شهروندان و سوءاستفاده از احساسات و عواطف مردم هستیم.

صفحه ۸
شنبه ۹ آبان ۱۳۹۶
۱۱ صفر ۱۴۲۹ – شماره ۲۱۷۶۰

نقش سیستم آموزشی معیوب و ناکارآمد در ایجاد ناهنجاری‌ها چیست؟

نیاز نظام آموزشی کشور

به جراحی عمیق و فوری

مدتهاست این موضوع، ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده که علت اصلی برخی از نابسامانی‌های موجود در جامعه چیست؟ آیا توطئه‌های مستمر و متعدد بیگانگان، عامل بروز این ناهنجاری‌هاست؟ آیا ناهنجاری‌های اجتماعی موجود، حاصل تأثیر فرهنگی ماهواره‌هاست؟ اصولا نقش توطئه‌های دشمنان از جمله: جنگ تحمیلی و تحریم‌ها و ترورهای صورت گرفته از سوی معاندین، در این رابطه در چه حد بوده است؟ چرا با این‌که تمامی مبانی، احکام و اصول ارزشی اسلام، یا حتی اسناد بالادستی تنظیم شده در کشور و نیز بیانات و رهنمودهای رهبری، وفق مصالح کشور و منافع مردم و هم‌راستا با آرمان‌های بلند و ارزشی انقلاب و افراد جامعه است، همچنان

با رشد تدریجی پدیده‌های نامطلوبی مانند: اختلاس، ارتششاه، رانت‌خواری یا فساد اخلاقی و اجتماعی در کشور مواجه هستیم؟ آیا عدم عرضه فراگیر و اصولی منابع اسلامی و بی توجهی جامعه نسبت به کسب فضائل و معارف اسلامی در بروز مشکلات تأثیرگذار نبوده است؟ آیا می‌شود همه مشکلات را فقط ناشی از ناکارآمدی، کم‌کاری و بعضاً سوءاستفاده و خیانت احتمالی برخی مدیران و مسئولان دانست؟

بی‌شک، توطئه‌ها و اقدامات حیثانه دشمن در بروز مشکلات و ناهنجاری‌های موجود در جامعه بی‌تأثیر نبوده است و شاید اگر هر کشور دیگری جای جمهوری اسلامی ایران قرار داشت و با این همه توطئه خارجی مواجه می‌شد، نته‌نتها حکومتش دگرگون می‌شد، بلکه احتمالاً خاک کشور خود را نیز از دست می‌داد.

یکی از بارزترین مصادیق خیانت دشمن، تمحیل جنگ ۸ ساله‌ای بود که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از پاک‌ترین، خالص‌ترین، صادق‌ترین و کارآمدترین نیروهای انقلاب، یعنی امیدهای کشور برای ایجاد تحول و تعالی جامعه در ابعاد مختلف را از ما گرفت.

توجه حدود ۱۷ هزار نفر از نخبگان، مسئولان سطوح عالی و مردم عادی، توطئه دیگری بود که در روزهای اخیر از سوی رهبران و مدیران مسئولین نظام آموزشی کشور، نته‌نتها سیره و سلوک رفتاری، علمی و عملی ائمه و اولیاء دینی، بلکه شخصیت اخلاقی و دستاوردهای علمی



ضربات جبران ناپذیری را بر پیکر انقلاب اسلامی وارد نمود و در مسیر رشد و پیشرفت کشور تأثیر مطلوب گذاشت، اما شاید از تهاجم فرهنگی و نقش ماهواره‌ها باید به عنوان مخرب‌ترین این عوامل نام برد.

بسا این‌حال، قطعاً هیچ‌یک از این عوامل و سایر عوامل مشابه که از ذکر آنها اجتناب شده است، به اندازه نظام آموزشی معیوب و ناکارآمد موجود، به کشور خسارت تحمیل نکرده باشد،

چرا که توطئه دشمنان و مزدوران داخلی آنها یا ناهنجاری‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی، هنگامی مؤثر واقع می‌شود که نظام آموزشی و تربیتی کشور، به شکل پنهان و آشکار و محسوس و نامحسوس، دچار ضعف و نقصان باشد.

البته طی سال‌های گذشته تلاش فراوانی برای اصلاح نظام آموزشی کشور در مقاطع و سطوح مختلف صورت گرفته است، اما به‌نظر

می‌رسد این اقدامات بیشتر و البته به شکل غیرمؤثر، پوسته و قالب کار را دستخوش تغییر نموده است. تغییر چندباره مقاطع تحصیلی در آموزش و پرورش از ۵، ۳، ۴ به ۳، ۴، ۶ و با مزین نمودن متون آموزشی مدارس و مراکز آموزشی عالی به آیات و روایات اسلامی، نمونه‌ای از این اقدامات است.

این در حالی‌است که اولاً اسلامی کردن و بهبود محتوایی متون درسی، لزوماً با افزون آیات و روایات اسلامی به متون آموزش، محقق نمی‌شود، ثانیاً تا عناصر و عوامل تغییر محتوا و نیز مدرسین این متون، خود به آنچه می‌وسیند و یا تدریس می‌کنند، اشرافیت و باور قلبی نداشته باشند، طبیعتاً نتیجه لازم عاید نخواهد

شود. ثانیاً آموزش بدون توجه به مفاهیم و مطالب پرورش‌دهنده، تربیتی، نمی‌تواند نتیجه مطلوب را در پی داشته باشد.

نشانه‌های معیوب بودن چرخه آموزشی
در واقع چنانچه نظام آموزشی کشور (در مقاطع و سطوح مختلف) نتواند، متذممزمان و در کنار تربیت افراد متخصص، افراد مؤمن، متعهد، مسئولیت‌پذیر، پاسخگو، متفکر، آرمانگرا، هدفمند، خلاق، قابل‌بهره و توانکا، اهل مطالعه (آموزش) و در قدرت و قیادت باشد، نشانه است. قبل از این‌که بیش از این فرصت‌ها را از دست بدهیم، با در انجام نمی‌دهیم تا دیگران به انجام ندهند، بلکه می‌گویند من انجام می‌دهم، چون دیگران هم چنین می‌کنند؟ قطعاً همان‌گونه که اشاره شد، باید ریشه همه یا بخش زیادی از این مسائل و مشکلات را در کاستی‌ها و نواقص نظام آموزشی (از مدرسه تا دانشگاه تا حوزه‌های علمیه و سایر مراکز آموزش) جستجو نمود، لذا شایسته است، قبل از این‌که بیش از این فرصت‌ها را از دست بدهیم، از طریق بازنگری و اصلاح محتوایی متون تربیتی و آموزشی، فرهنگ‌سازی عمومی، قانون‌گذاری مناسب و سایر اقدامات مشابه، به درمان اساسی و اصولی این بخش پردازیم.

صفحه ۸
شنبه ۹ آبان ۱۳۹۶
۱۱ صفر ۱۴۲۹ – شماره ۲۱۷۶۰

نقش سیستم آموزشی معیوب و ناکارآمد در ایجاد ناهنجاری‌ها چیست؟

نیاز نظام آموزشی کشور

به جراحی عمیق و فوری

مدتهاست این موضوع، ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده که علت اصلی برخی از نابسامانی‌های موجود در جامعه چیست؟ آیا توطئه‌های مستمر و متعدد بیگانگان، عامل بروز این ناهنجاری‌هاست؟ آیا ناهنجاری‌های اجتماعی موجود، حاصل تأثیر فرهنگی ماهواره‌هاست؟ اصولا نقش توطئه‌های دشمنان از جمله: جنگ تحمیلی و تحریم‌ها و ترورهای صورت گرفته از سوی معاندین، در این رابطه در چه حد بوده است؟ چرا با این‌که تمامی مبانی، احکام و اصول ارزشی اسلام، یا حتی اسناد بالادستی تنظیم شده در کشور و نیز بیانات و رهنمودهای رهبری، وفق مصالح کشور و منافع مردم و هم‌راستا با آرمان‌های بلند و ارزشی انقلاب و افراد جامعه است، همچنان

با رشد تدریجی پدیده‌های نامطلوبی مانند: اختلاس، ارتششاه، رانت‌خواری یا فساد اخلاقی و اجتماعی در کشور مواجه هستیم؟ آیا عدم عرضه فراگیر و اصولی منابع اسلامی و بی توجهی جامعه نسبت به کسب فضائل و معارف اسلامی در بروز مشکلات تأثیرگذار نبوده است؟ آیا می‌شود همه مشکلات را فقط ناشی از ناکارآمدی، کم‌کاری و بعضاً سوءاستفاده و خیانت احتمالی برخی مدیران و مسئولان دانست؟

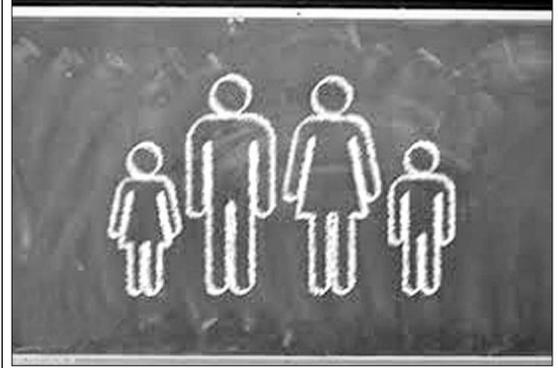
بی‌شک، توطئه‌ها و اقدامات حیثانه دشمن در بروز مشکلات و ناهنجاری‌های موجود در جامعه بی‌تأثیر نبوده است و شاید اگر هر کشور دیگری جای جمهوری اسلامی ایران قرار داشت و با این همه توطئه خارجی مواجه می‌شد، نته‌نتها حکومتش دگرگون می‌شد، بلکه احتمالاً خاک کشور خود را نیز از دست می‌داد.

یکی از بارزترین مصادیق خیانت دشمن، تمحیل جنگ ۸ ساله‌ای بود که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از پاک‌ترین، خالص‌ترین، صادق‌ترین و کارآمدترین نیروهای انقلاب، یعنی امیدهای کشور برای ایجاد تحول و تعالی جامعه در ابعاد مختلف را از ما گرفت.

توجه حدود ۱۷ هزار نفر از نخبگان، مسئولان سطوح عالی و مردم عادی، توطئه دیگری بود که در روزهای اخیر از سوی رهبران و مدیران مسئولین نظام آموزشی کشور، نته‌نتها سیره و سلوک رفتاری، علمی و عملی ائمه و اولیاء دینی، بلکه شخصیت اخلاقی و دستاوردهای علمی

برقراری عدالت و برای رهایی مظلومان نیز باید از خون حسین(ع) مدد گرفته شود.
آن حسین(ع) که پیامبر(ص) از آن است و آن حسین(ع) که چراغ هدایت و کشتی نجات جامعه است، باید درست شناخته شود و به جهانیان شناسانده شود تا دل‌های مشتاق را جلب و جذب نماید و امت جهانی را شکل دهد. بنابراین با نگاه تربیتی- و از منظر آموزش و پرورش باید به دنبال یک چنین شناخت و تأثیرگذاری و تأثیر گیری از عاشورا بود و در بحث ما اگر از تباط آموزش و پرورش و فرهنگ عاشورا صحبت می‌شود، چنین برداشتی منظور است و باز اگر صحبت از عملکرد این دستگاه دربار محرم و عاشورا می‌شود باید درپی شناختی اینگونه از حسین(ع) بود و الا خود ابعابدهال فرمودند که خون آن بزرگوار از جوشش نخواهد افتاد و مشعل فروزان آن هرگز خاموش نخواهد شد.

واقعیت این استک که اعتقاد به تاثیر جادو و رمالی و موارد مشابه آن در زندگی افراد، ریشه عمیقی در تفکرات بشری دارد. اگرچه ادیان مختلف و بیشتر به این فرض مسأله موضع داشته‌اند، اما همواره این اعتقادات بر لبه تیغ اعتقادات مذهبی رشد کرده‌اند و به نوعی به موازات اعتقادات دینی و در سایه آن و البته با سوءاستفاده از باورها و احساسات مذهبی یک مردم توانسته‌اند ریشه بونداند و حضور خود را تا امروز حفظ کنند. اینکه چرا با وجود سلامت و احاسات مذهبی مردم در داخل خانواده حل می‌شود. از ازدواج گرفته تا اشتغال برخی عرفان‌های کاذب در جوامع هشتمین موضوعی است که باید به صورت جدی به آن پرداخته شود. بخشی از این گرایش‌ناشی از تنهایی افراد در جامعه مدرن است. زندگی سنتی و خانوادهدای گسترده که در طول تاریخ ایران و بسیاری جوامع دیگر رواج داشته، فرد در داخل خانواده در کنار پدربزرگ و مادربزرگ و دیگر بزرگان خانواده، شیوه صحیح زندگی را می‌آموخت. این یک زندگی ساده و سالم و فاقد استرس و فشار روان و تمام مسایل فرد در داخل خانواده حل می‌شد. از ازدواج گرفته تا اشتغال و فرزندپروری و غیره در داخل خانواده حل‌وفصل می‌شد و تجربیات به صورت سینه به سینه به نسل‌های جدید منتقل می‌شد. این زندگی پیچیدگی‌های جامعه امروزی را نداشت. ما امروز با خانواده هسته‌ای مواجهیم و اساسا خانواده کارکرد خود را برای رشد فکری و تربیت و تعلیم و پختگی افراد از دست داده است.



بسیاری از دانشمندان ایرانی مانند: غیاث‌الدین جمشید کاشانی و حتی دانشمندان معروفی چون ابن‌سینا، به درستی تبیین و عرضه نشده است. این اندوه‌آموزی که بسیاری از دانش‌آموزان ایرانی با آن مواجه می‌شوند، سوز رفتارهای ترافیکی، پیشرفت و توسعه همه‌جانبه و رفاه و آسایش عمومی را، به مراتب بیش از آنچه تاکنون کسب نموده، می‌چسبید، اما اینکه این سؤال مطرح است

از: این اقدامات است.
بسیاری از حوزه‌ها مثل روانشناسی یادگیری، روانشناسی ورزش، روانشناسی و ارتقا و … به موضوعات ارتقای سلامت روان می‌پردازد. این تفکر باید اصلاح شود که هرکس به روانشناس مراجعه کند، بیمار باشد، اگر این نگاه درست شود، شهروندان برای حل مسائل خود به جای رفتن پیش رمال یا جذب شدن در عرفان‌های کاذب، به روانشناس مراجعه کنند، بیمار باشند، اگر این نگاه درست شود، شهروندان برای حل و آینده تفکرات در نریاضت که در مشاوره یک روش علمی همراه با احتمال بالای موفقیت وجود دارد اما در انرژی درمانی و عرفان‌های کاذب وقت و تنها شاهد فریب شهروندان و سوءاستفاده از احساسات و عواطف مردم هستیم.

جامعه هستیم. برای رفع این مشکل چه راهکاری می‌توان ارائه داد؟
افراد که در عرفان‌های کاذب مثل عرفان حلقه و رمالی و انرژی درمانی کار می‌کنند می‌مانند چطور کار خود را عرضه و تبلیغ کنند و مردم در سطوح مختلف را به سمت خود بکشانند. با روش‌های پیچیده روانی، ذهن و روح مردم را به سوسی خود معطوف می‌کنند و در جلسات مختلف مردم و خانواده‌ها را می‌کشانند و با شیوه‌های غیرعلمی ادعای کمک کردن به معنویت افراد را دارند.

در این شرایط ما نباید مردم را مقصر بدانیم و مورد تعقیب و تنبیه قرار دهیم. اگر به مردم آگاهی بدهیم و اطلاع‌رسانی دقیق داشته باشیم به جای مراجعه به رمال انرژی درمانی به سمت روانشناس متخصص می‌روند اما در شرایط فعلی که آگاهی‌رسانی به اندازه کافی انجام نمی‌شود، در موارد زیادی مردم دچار انحرافات مثل عرفان حلقه می‌شوند. مردم ما از سر نیاز و ناآگاهی در دام این انحرافات می‌فتند، اگر جامعه را آگاه کنیم و رهاکار بدبیم را توله فرزند و فرزندپروری در حوزه سلامت روان آگاه کنیم و مردم ما را از ناآگاهی و ناآرامی خود مطلع کرد و اگر حتی از آنها شایع شد سازمان‌های نظارتی از حق افراد دفاع می‌کنند، دیگر کسی متمایل به انرژی درمانی و غیره نمی‌شود. شما ببینید چه آسیب‌هایی به افرادی که جذب این مراکز انرژی درمانی و عرفان حلقه شده وارد شده است.

اگر متخصص و مشاور مورد اعتماد به میزان لازم در دسترس مردم باشد، این عرفان‌های کاذب عرصه‌ای برای رشد پیدا نمی‌کنند.

روى موج نیازهای جدید مردم برنامه‌ریزی کنند؟

بله همینطور است. البته نباید نگاه منفی به توسعه و روشنگری بشری داشته باشیم. زندگی مدرن در کنار افزایش استرس و فشار روانی به افراد، ابزارهای تخصصی برای مقابله با آن را هم طراحی کرده است اما گاهی از این فغلت می‌شود. من فکر می‌کنم وضعیت در کل دنیا ایجاد شده و این آن است که مردم دیگر تنها به سلامت جسمانی اهمیت نمی‌دهند بلکه سلامت روان و سلامت اجتماعی و معنوی هم به طور جدی مطرح شده است.

مردم به جایی رسیده‌اند که احساس می‌کنند علاوه بر خدمات تخصصی سلامت جسم، پزشکی، دارو، برای افزایش رضایت از زندگی، به خدمات و شیوه‌های ارتقای معنوی هم نیاز دارند. به عبارتی در کنار ارتباط با پزشک و پیشگیری از بیماری‌های جسمانی، مردم برای گذران زندگی به متخصصان دیگری هم نیاز پیدا کرده‌اند. در حوزه سلامت روان، بعد روان شناختی افراد مطرح می‌شود که بر می‌گردد به نوع تفکر فرد در تحلیل و تفسیر از زندگی و وضعیت احساسی و معنوی مثبت و منفی خیلی مهم شده است و چگونگی رفتار مطلوب یا ناهنجاری، کنترل رفتار، شیوه‌های مقابله با استرس و … مورد توجه قرار گرفته است.

امروزه در جوامع مدرن متخصصانی با صلاحیت علمی تأیید شده و با مجوز رسمی از مراجع ذی‌صلاح، به مردم در جهت تفکر منطقی کمک می‌کنند. فردی ممکن است تفکر غیرمنطقی داشته باشد و انتظارات غلط از خود داشته باشد و این تفکرات ممکن است فرد را دچار درد و آسیب کند. در دنیا هیچ پزشک جراحی وجود ندارد که بتواند تفکر غیرمنطقی را مطلقاً کنه کند. جوامع پیچیده امروزی نیاز به متخصصان دیگری در جوامع تخصصی دارند که این خلاق باید به نوعی پاسخ داده شود. تمام این حالات‌ها ۸۰ درصد از سلامت انسان را به خود اختصاص می‌دهند و تنها ۲۰ درصد آن به سلامت جسم مربوط می‌شود.

با پاسخگویی مؤثر و مشاوره در فرآیند ارتقای معنوی افراد برعهده چه افرادی یا نهادهایی است. آیا کم‌کاری این نهادها سبب شده تا عرصه برای افراد سودجو باز شود یا مشکل در حجاب دیگری است؟
این مسئله، متعلق به متخصصان خود را دارد. در بسیاری کشورها با کمک روانشناس و مددکار و آسیب شناس و